



خوزستان استان پهناور و ولایتداری است که با مردم نجیبش، همواره در فراز و نشیب‌ها، تلخ‌ها و شیرینی‌ها، راه سعادت و رستگاری را به شایستگی پیموده و مراجع عالiquدر و علمای صاحب نظر و بزرگان فرهنگ و اندیشه و مردم باصفا و باوقایش با خونگرمی‌شان دل‌ها را به این دیار که بحق دروازه تشیع نام گرفته، متوجه کرده است و شوشتر که آن را نبای سرزمین ایران می‌خوانند و تاریخش هزاران ساله است به راستی خانه مؤمنان و مردم دینداری است که اعتقادات راستین شیعه و ارزش‌های والا را به خوبی پاس داشته و از همین رو دارالمؤمنینش گفته‌اند.

روحانی پارسا و مجاهد عالم عامل، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید علاءالدین، چهارم خرداد ۱۳۰۷ شمسی در دارالمؤمنین شوشتر میان خانواده‌ای روحانی و سرشناس به دنیا آمد. وی فرزند سید محمدحسن از روحانیون مشهور و متنفذ شوشتر بود.

دوران کودکی و اوایل نوجوانی در مکتب‌های قدیمی به فراگیری علوم ابتدائی گذشت. هنوز پانزده سالگی سید علاءالدین کامل نشده بود که با تشویق والد بزرگوارش مسیر طلبگی را انتخاب نمود و وارد حوزه علمیه جزایره به شوشتر شد. درس‌ها و مباحثات در مدرسه علمیه و منزل مراجع عظام حضرات آیات سید محمد حسن آل طیب، سید محمد موسوی جزایری و شیخ محمدتقی شوشتری و... برگزار می‌شد.ویژگی‌های اخلاقی در کنار تلاش علمی و شرکت فعال در مدرسه علمیه جزائره که به تعلیم و تدریس و مباحثات و گاهی نیز به شوخی‌ها و تفریحات سالم می‌گذشت، او را محبوب و مورد اعتماد مراجع و علما کرده بود. وی با کمال فروتنی همانند استادیش برای طالب تازه وارد درس می‌گفت و به آنان از همان ابتدا علاوهبر آموزش علوم با اخلاق کریمه و رفتار نیکویش، علم و عمل می‌آموخت.

این ویژگی از همان تولد حوزه‌های علمیه در طلاب و اساتید وجود داشت که هر طلبه پس از فراگرفتن یک کتاب چنان آن را خوب می‌خواند که بتواند آن را تدریس نماید، هر چند این مشی و این روش هم اکنون کنار گذاشته شده و اسب‌های جدی به آموزش و تعلیم در حوزه وارد شده است.



شهید علیرضا توسلی (ابوحامد) اولین فرمانده لشکر سرافراز فاطمیون است. کتاب «خاتون و فوماندان» روایت زندگی همسر شهید علیرضا توسلی است که رهبر انقلاب در تقریظ بر این کتاب حرکت جهادی فاطمیون را افتخاری برای آنها و همه افغان‌ها دانستند.

رسانه KHAMENEI.ir به مناسبت انتشار تقریظ رهبر انقلاب بر این کتاب، در گفت‌وگو با سردار محمدرضا فلاخرزاده، جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و از فرماندهان با سابقه محور مقاومت نگاهی به مجاهدات‌های سردار علیرضا توسلی و رزمندگان لشکر فاطمیون داشته است. سردار فلاخرزاده از کسانی است که در سال‌های گذشته به‌دلیل حضور در سوریه با شهید توسلی و دیگر رزمندگان و فرماندهان فاطمیون ارتباط مستقیم داشته است.

برای شروع گفت‌وگو شاید بهتر باشد که به سابقه تیپ فاطمیون بپردازیم. فکر تشکیل تیپ فاطمیون از کجا و چگونه شکل گرفت؟
همزمان با آغاز ناآرامی‌ها در سوریه و عراق، نیروهای تروریست چندملیتی از کشورهای مختلف در این سرزمین‌ها گرد آمدند و هدف‌شان وهن اسلام، توهین به مقدسات شیعه و سنی و در نهایت هتک حرمت اماکن مقدس در این کشورها و بلاد اسلامی بود.

با هدایت و رهبری حکیمانه رهبر انقلاب اسلامی شاهدن آن بودیم که ازآمردانی در سراسر ممالک اسلامی آماده می‌شدند تا برای دفاع از اسلام ناب محمدی، دفاع از حقوق انسان‌ها و دفاع از حرم‌های شریف الله وارد میدان شوند. افغانستانی‌ها هم بخشی از همین خروش بین‌المللی بودند.

ده‌ها هزار افغانستانی از سال‌های دور به شامات رفته و مهاجر شده و در آن‌جا مشغول کار و زندگی بودند. با آغاز درگیری‌ها در سوریه با تدبیر و تصمیم سپهبد حاج قاسم سلیمانی در قالب نیروهای بسیج مردمی حلقه اول دفاع از حرم حضرت زینب سلام‌الله‌علیها را تشکیل دادند. کم‌کم افغانستانی‌های عزیز مقیم ایران و بخشی از افغانستانی‌ها از داخل افغانستان نیز به صورت داوطلب و با آگاهی از شرایط بین‌المللی به وجود آمده در سوریه وارد میدان شدند و حلقه اولیه تشکیل فاطمیون این‌گونه بنا نهاده شد. جمهوری اسلامی ایران هم که به صورت مستشاری در میدان حضور داشت و نقش مشاوره‌ای و پشتیبانی از نیروهای مدافع حریم انسانیت را برعهده داشت، در مقابل نیروهای افغانستانی فاطمیون نیز همین نقش را ایفا کرد و برخی مشکلات این عزیزان را حل نمود.

در سال سوم ورود سیدعلاءالدین در حوزه علمیه لباس پیامبری پوشید و آماده تبلیغ و رساندن پیام دین به تشنگان معرفت و اسلام ناب شد. در آن دوران، شرایط زندگی برای همه به‌خصوص طلاب بسیار سخت بود. مواد غذایی کم و توانایی مردم برای تهیه غذا اندک بود. به‌خصوص که شهر شوشتر با مردم نجیبش که مردمانی سختکوش بودند، بسیار کم توقع و قانع و شاکر بودند. او در خاطراتش می‌گوید: در آن شرایط دشوار بهترین راه‌حلی که من انتخاب نمودم، قناعت و راضی بودن از شرایط موجود بود که البته راهی بهتر از این هم نداشتیم. شهریه من هر ماه پنج ریال بود که بعد از چند سال به ده ریال رسید ولی با توکل به خدا زندگی طلبگی‌مان را ادامه می‌دادیم. پس از مدتی به اهواز آمدم و مدتی را از محضر آیت‌الله میرسیدعلی بهبهانی(ره) استفاده کردم.



اما تقدیر الهی چیز دیگری بود. بیماری همسر مکرمه و بردبارش سبب شد تا در تابستان سال ۱۳۳۶ برای پیگیری درمان و معالجه‌اش به ایران مراجعت نماید. پس از مراجعت به شوشتر از مراجعات نتیجه‌ای حاصل نشد و همسرش دارقانی از وداع نمود. پس از مدت کوتاهی از درگذشت همسرش در آذرماه ۱۳۳۶ همراه با دو فرزندش مجدداً عازم نجف اشرف گردید. نجف اشرف مرکز تفکر حوزه‌های علمیه بود. طلاب و علما برای کسب فیض از محضر امیرالمومنین همان امام معصومی که بارها فرموده بود: «سلوونی قبل ان تفقدونی»، «پیش از آنکه مرا از دست دهید، هرچه می‌خواهید از من بپرسید، من راه‌های آسمان را بهتر از راه‌های زمین می‌شناسم»؛ از سرتاسر دنیا علی‌رغم سختی‌ها و گرفتاری‌ها و دشواری زندگی و نیز هوای بسیار گرم و عدم امکانات رفاهی به آن‌جا آمده و زانوئ ادب می‌زدند تا چند سالی از خرم علوم معقول و منقول اساتید استفاده ببرند و از فیوضات حرم علوی خوشه برچینند. این همان چیزی بود که عطش طلبه جوانی مثل سیدعلاءالدین را فرو می‌نشاند: «درس و مباحثه و توسل و مناجات». وی در توصیه اش به طلاب جوان اظهار می‌دارد: «توصیه من به طلاب این است تا می‌توانند به دعاها اهمیت دهند، دعای توسل بخوانند، زیارت عاشورا بخوانند و سعی کنند برنامه‌ای منظم برای خواندن دعاها داشته باشند.

بود. بدون شک یکی از عوامل اصلی شکست تروریسم بین‌المللی اعاش در منطقه و سوریه همین نیروهای افغانستانی فاطمیون بودند.

بارها شاهد بودیم که شهید حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان فرمانده میدانی محور مقاومت نسبت به نیروهای فاطمیون علاقه و محبت زیادی از خود ابراز می‌کرد. درباره این علقه و محبت ایشان به نیروهای فاطمیون صحبت کنید.

مقاومت در فضای مجازی

گرفته و به عنوان نه‌ای می‌خوردیم، همین بهترین خوشحالی ما در آن ایام بود.

هجرت به عراق و علم آموزی گرچه تنها حدود سه سال سکونت در عراق را بیشتر دربی نداشت ولی تا آخر عمر سید بزرگوار را تشنه اقامت در دیار و همجواری با اجداد طاهراین کرده بود. در این سال‌ها بیشترین تلاش وی بهره گرفتن از اساتید سرآمد و نشستن پای درس مراجع و علمای بزرگی بود اما معیشت و زندگی با همسر و فرزندان در آن دیار کار آسانی نبود. درآمد طالب از راه شهریه‌ای تأمین می‌شد که مراجع و علما پس از گرفتن امتحان مقرر می‌کردند و البته ناچیز هم بود و گاه احتیاجات حداقلی زندگی را هم برآورده نمی‌نمود. سختی‌های فراوان در مقابل همت عالی این جوان سر خم کرده بود و مدتی را از محضر آیت‌الله آینده‌اش بازدارد.



والد گرمای‌شان و نیاز به مراجعه پزشک برای درمان چشمان وی باعث شد که برای پیگیری مداوا به بغداد هم بروند اما سودی نداشت لذا در تابستان سال ۱۳۴۲ برای ادامه معالجه به ایران مراجعت نمودند و پس از پیگیری‌ها و مراجعات که نتیجه‌ای نداشت، چشمان پدرش بینایی را از دست داد و به شهر شوشتر مراجعت نمودند و همین مسئله سبب شد آقا سید علاء وظیفه‌اش را چشم‌پوشی از مراجعت به نجف و اقامت در شوشتر در کنار پدر دید.

دعوت و تشویق بعضی از خوشوایانان سبب شد در سال ۱۳۴۷ به منظور فعالیتهای تبلیغی و اجتماعی و ادامه تحصیل علوم حوزوی به تهران مهاجرت و چند ماهی در آن‌جا اقامت داشته باشند و او در این مدت برای درس و مباحثه به مدرسه مروی تهران می‌رفت. با اینکه پیشنهادهائی برای اقامت دائمی در تهران به آقا سید گردید و حتی چند مسجد همراه با منزل مسکونی برای امامت جماعت را به او نشان دادند، اما پیشنهادات را نپذیرفت و تصمیم گرفت از اقامت در تهران صرف نظر نماید لذا به اتفاق خانواده به شوشتر مراجعت کرد و پس از مدت کوتاهی در سال ۱۳۴۸ شمسی به اهواز هجرت نمود.

گرچه ایشان حوزه‌های علمیه نجف، شوشتر، اهواز و تهران را تجربه کرده بودند، اما برخورد نیکویش با اساتید و طلاب چه برای فراگیری و

طلاب عزیز در کنار جدیت برای فراگیری درس با دعای توسل، زیارت عاشورا، جامعه کبیره و زیارت امین الله انس بگیرند.» و البته آقا سید این نکته را خوب می‌دانست که درس و بحث و این کلاس و آن استاد و مباحثه تنها نمی‌تواند انسان را نجات دهد وای بسا که همین علم حصولی حجاب موفقیت و مانع رستگاری شود.

سیدعلاءالدین که مورد اعتماد مراجع

و علما هم بود، گاهی اوقات تقسیم شهریه بین

طلاب خوزستانی مقیم نجف را به ایشان واگذار

می‌نمودند. و البته ایشان شهریه خود را که برای

خوشش مانند دیگر طلاب جدا می‌گذاشتند، بعضی

اوقات علی‌رغم احتیاج خودشان آن را به طلابی

که نیاز داشتند یا مشکلی برایشان پیش آمده

بود، می‌دادند.

این دوران دیری نپایید که وضعیت جسمی

مروری بر حیات علمی و عملی عالم مُجاهد خوزستانی

حجت‌الاسلام و المسلمین سید علاءالدین سید موسوی جزایری

ستاره‌ای در خشان

در آسمان متقین خوزستان

چه برای تدریس به‌گونه‌ای بود که زود دوستان‌ی پیدا می‌کرد.

در اهواز چند مدرسه علمیه فعال بود که با توجه به اقتضای همان زمان طلاب واساتید مشغول فراگیری دروس حوزوی بودند از مهم‌ترین این مراکز دارالعلم آیت‌الله بهبهانی ره بود. حاج سیدعلاءالدین از همان ابتدا در دروس مراجع آن زمان علامه آیت‌الله بهبهانی رحمه الله علیه و آیت‌الله سیدمحمدجعفر مروج رضوان الله تعالی علیه شرکت نمود و با دیگر علما و روحانیون مباحثات علمی داشت. تدریس در مقاطع مختلف

چه در منزل وچه در مدارس علمیه مختلف هم دارالعلم آیت‌الله بهبهانی (ره)، مدرسه آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله آل‌طیب(ره)، امام خمینی (قدس‌سره) و حوزه خواهران توسط ایشان ادامه داشت. تدریس برای طلاب ورودی با بیان شیوا و ساده ایشان که جذابیت خاصی داشت باعث اقبال طلاب به درس ایشان شده بود و این نوع تدریس که با کمال فروتنی با بیان آسان برای طلاب تازه وارد بیان می‌شد، را از اساتید خودارث برده بود و سیره عالمان و فقیهانی همانند علامه سیدمحمدحسن آل طیب(ره) و آیت‌الله سیمه‌محمد موسوی جزایری(ره) نیز چنین بود که علی‌رغم جایگاه علمی ا حاضر بودند برای طلابی که تازه وارد حوزه می‌شدند و پایه‌های ابتدائی دروس حوزوی را می‌خوانند، تدریس داشته باشند. گاهی

حوصله این بحث است؛ از غوطه شرقی و غربی تا فروسیه، ملیحه و تل‌قرین، بصری و سهل‌الغلب، حماء، حلب، دتمر، دیرالزور، المیادین، بادیة الشام و تا سوری برخی نگاه اهریودی به حضور آنها وجود نداشت. اما در همان چند هفته اول با حضور این عزیزان در میدان نبرد ورق برگشت. پیروزی‌های متعدد در میادین مختلف و سخت و تیزهوشی و قدرت و قناعت، شجاعت و دلاورمردی، تیزهوشی و قدرت

گفت‌وگو با جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران

مجاهدت فاطمیون

از عوامل اصلی شکست تروریسم در منطقه بود

یادگیری تخصصات نظامی باعث شد که نیروهای افغانستانی فاطمیون به یکی از بازوهای اصلی محور و جریان مقاومت تبدیل شوند. شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده میدانی محور مقاومت نگاه ویژه‌ای به عزیزان فاطمیون داشتند. این عزیزان هم خیلی زود در مدار فرماندهی محور مقاومت قرار گرفته و به یکی از بازوهای اصلی مشورتی و عملیاتی شهید سلیمانی تبدیل شدند.

حاج قاسم در طراحی اکثر عملیات‌ها در میدان مقاومت، فرماندهان فاطمیون را دخیل می‌کرد و از توان و قدرت این نیروی جدید محور مقاومت بهره می‌جست. به لحاظ معنوی نیز ایشان دلپسنگی عجیبی به فرماندهان و نیروهای افغانستانی پیدا کرده و در زمان حضورشان در میدان حتما زمان ویژه‌ای را به سرکشی و ملاقات با رزمندگان فاطمیون اختصاص می‌دادند.

این نکته هم نباید فراموش شود که شهید سلیمانی شخصاً موضوعات مربوط به فاطمیون، چه در میدان و چه در عقبه را پیگیری می‌کردند و با حساسیت به دنبال رفع مشکلات این عزیزان بودند. پس از شهادت حاج قاسم نیز سردار قائنی با ادامه همان راه، عنایت و محبت خاصی به فاطمیون دارند.

رزمندگان فاطمیون در محور مقاومت در چه نبردها و عملیاته‌ای خاصی در سوریه و عراق حضور داشته‌اند؟
امروز مجاهدین فاطمیون یکی از اعضا و جریانات اصیل و اصلی محور مقاومت هستند که مایه دلگرمی و پشتیبانی برای سایر گروه‌ها و نیروهای مقاومت در منطقه شده‌اند. نام بردن از تعداد عملیات‌هایی که فاطمیون در آنها حضور داشته‌اند حتما خارج از

صفحه ۸

شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

۲۹ شوال ۱۴۴۴ – شماره ۲۳۳۰۴



ایشان با استقامت و بردباری در مدت هشت سال دفاع مقدس با ماندن در اهواز و شرکت در جبهه و نیز خدمات رسانی در پشت جبهه با حضور خود و خانواده، فعالیت چشمگیری داشت. در طول ۱۳۴۲ همراه با یک هیئت تبلیغی از جمله مرحوم حاج علی کربلایی و حاج سید محمد امام جبهت برگزاری جلسات درس و نشر معارف و کارهای فرهنگی برای مجاهدان و پاسداران به سوریه و لبنان اعزام شدند . در طول سه ماه اقامت توانستند با اعزام به جبهه‌های مختلف و سرکشی به رزمندگان این ماموریت را به خوبی به پایان برسانند.

یکی از فرزندان طلبه آقا سید علا به نام سید محمدحسین در سال ۱۳۴۵در عملیات کربلای چهار حضور پیدا کرد و مفقود الاثر گردید. جست‌وجوها سودی نداشت و پس از پانزده سال دوران سخت انتظار، در سال ۱۳۸۰ باقیمانده پیکر مطهرش پیدا و پس از تشییع باشکوه مردم عزیز اهواز به خاک سپرده شد.

گرچه اهواز با توجه به اینکه مرکز استان بود مسائل و مشکلات خاص خودش را داشت اما وبا پذیرفتن مسئولیت امامت جماعت مسجد بازار کاوه در منطقه مرکزی اهواز بود، توانست با بازاریان پیرامون مسجد ارتباط بسیار خوبی داشته باشد و از ظرفیت مسجد برای چاره‌جویی و حل مشکلات به‌خوبی استفاده نماید. همیشه تاکید داشت طلبه نمادی از ساده زیستی و تقرب به خداست و مردم آنها را با این چشم نگاه می‌کنند؛ اگر حال طلاب می‌خواهند در این امر موفق شوند باید کاری کنند که اعمال‌شان خوب شود که اگر این چنین شد، هم در میان مردم شخصیتی خوب پیدا می‌کنند و هم آن‌شالله نام آنها در لیست سربازان آقا امام زمان(عج) جای خواهد گرفت.

او عمری را با ذکر خدا و تهجد و دعا سپری کرد و با شوق وصال امام زمان(عج) دعای عهد و ندبه و نماز امام زمانش در سپیددم و بین الطلوعین ترک نمی‌شد، سرانجام پس از ۹۲ سال عمر مبارکت در اول خرداد سال ۱۳۹۹، عروج ملکوتی خویش را به سوی جایگاه ابدی و رحمت الهی و همجواری با اجداد طاهراین آغاز نمود.

شهید ابوحامد به شدت روی تکتک نیروهایش حساس بود و به نوعی نقش پدرگونه برای نیروهای فاطمیون داشت. در اوج نبردهای نظامی به دنبال حل مشکلات نیروهایش بود و از چسان و مال و آبروش برای حفظ نیروهایش مایه می‌گذاشت و عزیز فاطمیون بود.

خانواده‌های شهدا همیشه در زمان نبرد، پشتیبانان اصلی رزمنده‌ها بوده‌اند، طبیعتاً خانواده‌های فاطمیون در ایران هم به‌دلیل مهاجر بودن با مسائل متعددی مواجه بوده‌اند. در طول سال‌های نبرد با تروریست‌ها چه برنامه‌هایی را برای حمایت از این عزیزان در دستور کار بوده است؟

هجوری اسلامی ایران همیشه میزبان مهاجران افغانستانی بوده است ولی با حضور فاطمیون در میدان‌های نبرد مقاومت و دفاع از حرم در مقابل گروه‌های تروریستی و تکفیری داعش و النصره و تابعینش، باعث تحول در نگرش و عمل مردم ایران اسلامی و مسئولین به مهاجرین گردد و به قول حاج قاسم، شهیدان عزیز فاطمیون در نبردها و دفاع از حرم غبار مغلوبیت را از چهره مهاجرین افغانستانی زدودند و باعث شدند هم در بدنه مردمی و هم در میان مسئولان دولتی هجوری افغانستانی ایران نگاه ویژه‌ای به مهاجرین افغانستانی شود.

در طول سال‌هایی که از تأسیس فاطمیون می‌گذرد، خانواده شهیدای این لشکر با رهبر انقلاب دیدارهایی داشته‌اند. چه نکاتی از این دیدارها در خاطر تان هست؟

بنده توفیق حضور در این دیدارها را نداشته‌ام اما آنچه از دوستان حاضر در این دیدارها شنیدم این است که رهبر انقلاب هر سال به جز ایام کرونا در هنگام سفر به مشهد مقدس وقت ویژه‌ای را به دیدار با خانواده شهیدای فاطمیون اختصاص می‌دهند. این‌خود نشان از عنایت ویژه ایشان به عزیزان فاطمیون است. این دیدارها یک دلگرمی بزرگ برای خانواده‌های و عزیز فاطمیون است. اینکه رهبر انقلاب از نزدیک مسائل آنها را دنبال می‌کنند و یکی از دغدغه‌هایشان مسائل این عزیزان است یک نقطه قوت و پشتیبانی برای رزمندگان فاطمیون است که با انگیزه مضاعف برای نبرد نهایی یعنی محو رژیم صهیونیستی از صفحه رزگار در میدان حضور داشته باشند. مردم عزیز ایران اسلامی و دیگر مسلمانان جهان خوب می‌دانند که فاطمیون از آسایش و زندگی و جان شیرین خود برای دفاع از اسلام، مسلمانان، شیعیان و مردم ایران اسلامی و کشورهای منطقه گذشتند، حال بر ماست که احترام و تکریم و احترام قرار دهیم و به این همه جهاد و تلاش آنها افتخار کنیم.